

## عین‌الملک شاعر

اگر شما در حکمت مانند فارابی باشید و در اخلاق استاد مسکویه و در علم  
تندرستی بر ترا از رازی و بهیگر اتو و در منتر و شعبده سکاکی و در کلام نظام و در عرفان  
ابوالخیر باشید تا بادیات و اداب زبان و شیوه سخن آگاه نباشید علم شما  
از جهل جدا نیست و هیچ کس شمارا بدانائی نخواهد موصوف کردن .  
عین‌الملک هویدا بیش از پیشه‌سیاست قریحه شاعری و شیوه نویسندگی  
او زبانزد خاص و عام بوده است و مرحوم حاج‌عبدالمحمدایرانی در خاطرات خود  
این ابیات را از او نقل کرده است :

دشمن که بگام دل زبونش کردم  
از کشور عافیت برونش کردم  
از چشم جهان بین توای عین‌الملک  
افکندم و غرق خاک و خونش کردم

شب تا سحر از غصه تو بیمارم  
هر لحظه که با یاد توام بیدارم  
دیوانه روی توام ای طرفه‌نگار  
رنجم مده با غمت مکن آزارم

افسوس که زندگی بما بد تا کرد  
ما را از نصیب بخت بد یکتا کرد  
بودیم فرشته‌ئی مقرب بخدا  
آورد و بجمع خاکیان همتا کرد

گر می بتنت زیان رساند غم نیست  
کان غم که ز خاطرت بگاهد کم نیست  
گر می خوری و بد نکنی همچو تو کس  
هشیار تری در همه عالم نیست

قحط سالی یکی بخسرو گفت

بخت بد با جهانیان شد جفت

بی نوایان گرسنه‌اند و نزار

همه‌جا جای گل برآمد خار

گفت خسرو خزینه بکشادیم

ابر اگر شد بخیل ، ما رادیم

دل ما خسته غم او نیست

یم ما هست اگر نم او نیست

در باره تاریخ جنگ لشکری دیلمی فرمانده دیلمیان یا کیفلیغ در

مادین اسفهان قطعه‌ئی ساخته است که برخی از ابیات آن یاد می‌شود .

لشکری چون اسفهان زیر نگین آورده بود

شهر را در حلقه برج برین آورده بود

بر کیفلیغ تخمه تازی و ترک و بربری

آب ز قوم از دم شمشیر کین آورده بود

بهر کشتار هزاران مار بپین بوم و مرز

حمله‌ئی چون ازدها بر ما ز پین آورده بود

این دو بیت نیز از غزلی است که در جنگ خاطرات اوست :

بیداد بین که عاشق دلخسته می‌کشند

کی بر خیال خاطر ما این گمان رسید

ویرانه کرد ملک دلم با سپاه رنج

آن مه که زورا و بمن ناتوان رسید

### تذکره عین‌الملک

عین‌الملک نیز تذکره‌ئی دارد که ابیات آن همه از مخدراتی بوده است:

که شاعر بوده‌اند .

ازین جمله جان خانم دختر فتحعلی شاه قاجار است که او را صوفی

و عارف معرفی کرده است و دیگر بی بی است که خواهر شیخ عبدالله معروف

به (دیوانه) بوده است و نشیمن اوهرات و از جمله ابیات او این بیت است .

روم بیباغ و زنگس دودیده وام کنم

که تا نظاره بدان سرو خوشخرام کنم

و دیگر از بانوانی که شاعر بوده اند و نامشان در تذکره عین الملک آمده است ترکان خاتون دختر سلطان جلال الدین خوارزمشاهی و دیگر ترکان بانو مادر سلطان شاه که پادشاهی از خوارزمشاهیان بوده است .

و دیگر از بانوانی که عین الملک یاد کرده است **تونی آتون** است که شوهرش ملابقائی نیز شاعر بوده است و ملابقائی با این رباعی او را هجو کرده:

یادان ستم پیرزنی کشت مرا  
کاواک شده چونی ازو پشت مرا  
گر پشت بسوی اودمی خواب کنم  
بیدار کند بضرب انگشت مرا  
تونی در جواب او این ابیات را سرود :  
همخوابی سست پیرکی کشت مرا  
روزی نبود ازو بجز پشت مرا  
نه قوت آنکه پا ز پا بردارد  
نه تاب و توانی که زنده شت مرا

و دیگر از بانوان شاعر که نامشان در تذکره عین الملک آمده است **جمیله خانم** اسفهاننی است که از او علمی و معرفتی نقل کرده اند و از جمله ابیات اوست :

جز خار عم نرست ز گلزار بخت ما  
آنهم خلیده در جگر لخت لخت ما  
و دیگر جهان خاتون شیرازی است که گفته اند در بیرونی خانه او همه روز مجلس مناظره ادبا و عرفا و شعرا بوده است و از جمله ابیات عرفانی او:

مصور بست که صورت ز آب می سازد  
ز ذره ذره خاک آفتاب می سازد  
و دیگر از خانم های شاعر که در تذکره عین الملک نامش آمده است (**حجایی استرآبادی**) است و از جمله ابیات او :

مران بخواریم ای باغبان ز گلشن خویش  
که پنجر روز دگر گل بخت یکسان است  
و دیگر **حجایی گلپایگانی** است که نمونه ابیاتش چنین است :  
حفظ ناموس تو شد مانع رسوائی من  
ورنه مجنون تو رسواتر ازین میبایست

و دیگر از خانم های شاعر حیاتی است که همسر نورعلیشاه بوده است و دیوانش ده هزار بیت است و ازوی عرفان آموخته و در قاموس عرفا نامش **بی بی جانی** است و از جمله ابیات او :

منع دلم از ناله مکن در پی محمل

کز ناله کسی منع نکرده است جرس را

دیگر **حاجیه خانم** زن فتحعلی شاه است که از منسوبین شیخعلی

خان زند بوده است و از جمله ابیات او :

طواف کعبه تورا حاجیه میسر شد

خدا زیارت اهل دلی نصیب کند

و دیگر از خانم های گوینده دخت میریاد کار بوده است که نامش **خان زاده**

تبریزی است و از جمله ابیاتش :

شبی در منزل ما میهمان خواهی شدن یانه

انیس خاطر این ناتوان خواهی شدن یا نه

و دیگر **دختر خانم** است و از جمله ابیات او :

مگر رسوای عشق از مردم عالم غمی دارد

که عاشق کشتن و رسوا شدن هم عالمی دارد

و دیگر **دلشاد خاتون** که مادر سلطان اویس و از زنان حسن ایلکانی بوده

است که در هفتصد و پنجاه هجری از شیراز مهاجرت کرده است و دیگر **دلشاد**

**خاتون** دخت امیر علی جلایرزن امیر حسن جلایر حاکم بلخ که طبعی موزون

داشته است و از ابیاتش :

اشکی که سرز گوشه چشم برون کند

بر روی من نشیند و دعوی خون کند

و دیگر از ابیات او :

حل شد ازغم همه مشکل که مرا درد دل بود

جزغم عشق که حل کردن آن مشکل بود

و دیگر **دلشاد خانم** و از جمله ابیات او :

طاعات منکران محبت قبول نیست

صد بار اگر بچشمه زمزم وضو کنند

و دیگر **خانم رابعه** اسفهبانی که در زمان نوح سامانی ابیات او معروف

شده است و از جمله اشعار او :

از خدا خواهم تو را عاشق کند یزدان پاک  
 بریت سنگین دلی تا از دلم آگه شوی  
 و دیگر رشحه خانم اسفهان‌نی دختر هاتف شاعر اسفهان‌نی و همسر نظیری  
 شاعر و رشحه خانم دیوانی دارد حاوی سه هزار بیت و از ابیات او :

آن بت گلچهره یارب بسته از سنبل نقاب  
 یا بافسون کرد پنهان در دل شب آفتاب  
 و دیگر زهره خانم شیرازی و از جمله ابیات او این است .  
 رفته رفته تا بحال آشنا گردد طیب  
 این جراحت‌ها که من دارم کهن خواهد شدن  
 و دیگر سیده بیگم از بانوان همعصر رشیدالدین و طواط و از جمله  
 ابیات او :

دلی دارم بپهلوی بقرار از هجر یار خود  
 چه گویم پیش بیدردان ز درد بقرار خود  
 از آن پیوسته در عالم چنان سرگشته می‌گردم  
 که می‌بینم چو زلف او پریشان روزگار خود  
 ازین سوزیکه من دارم ز عشق او پس از مردن  
 بسوزم عاقبت با خویشتن لوح مزار خود  
 و دیگر ستاره خانم شیرازی که سال هفتصد هجری در شیراز با سمدی  
 همعصر بوده است و چنانچه گفته اند منسوب به سمدی بوده است و از جمله ابیات او :

عشقبازان رو بسوی قبله آن کو کنند  
 قبله کان محراب ابرویش نماید رو کنند  
 و دیگر کنیز فاطمه نام شاعری سیستانی مادر شاه سلیمان کابلی و از  
 جمله ابیات او :

سزد که فخر کند آسمان بدورانم  
 کنیز فاطمه ام مادر سلیمانم  
 وزین رفیع‌ترم ز آنکه در نژاد و نسب  
 ز پشت شاه صفی پادشاه ایرانم  
 و دیگر مهری هراتی است و از جمله ابیات او :

بیخ هر خاری که آن از خاک من حاصل شود  
 زاهدان مسواک سازد عقل او کامل شود  
 و دیگر مهستی خراسانی از شعرای نساپور و این‌خانم با سلطان سنجر  
 سلجوقی معاصر بوده و از ابیات اوست :

افسون که اطراف گلت خار گرفت  
 زاغ آمد و لاله را بمنقار گرفت  
 سیماب ز نغدان تو آورد ممداد  
 شنکرف لب لعل تو زنگار گرفت  
 و دیگر همدمی گرگانی و نمونه‌ئی از ابیات این خانم :  
 من سوخته لاله رخانم چه توان کرد  
 واله شده سبز خطانم چه توان کرد  
 صد تیر بلا و ستم و جور رسیده  
 زان ناوک دلدوز بجانم چه توان کرد

و آنچه درین تذکره بسیار شیرین است فصلی است که نمایش مناظره  
 و مباحثه زنان شاه اسماعیل صفوی است خاصه ابیاتی که حیات خانم و جهان  
 خانم گفته‌اند و یکدیگر را هجو کرده‌اند و در برابر شاه خوانده‌اند .

تو پادشاه جهانی جهان زد دست مده  
 که پادشاه جهان را جهان بکار آید  
 بی‌تی است از ابیات يك غزل که جهان‌خانم ساخته و حیات‌خانم بمقابلت  
 او پرداخته و غزلی سروده است که جمله ابیاتش :  
 هیچ غم جهان مخور تا ز حیات بر خوری  
 هر که غم جهان خورد کی ز حیات بر خورد  
 بشود که ما توفیق بیاییم و این مناظره تاریخی را با طرفی از ابیات آن  
 عصر در مقاله‌ئی جدا یاد کنیم و مجسمه شاه اسماعیل را نیز که مرحوم مؤدب  
 السلطان شرح آنرا در چهره نما یاد کرده است هم‌نشان با تصویری که یافته‌ئیم  
 نشان بدسیم و خاطرات عین‌الملک را نیز با تاریخ مختار الملک عماد السلطنه  
 تکمیل کنیم و شما شاید بدانید که مرحوم حبیب‌الله خان عین‌الملک هویدا پدر دانشمند  
 جناب آقای هویدا است که نخست‌وزیر عصر ماست . . .